

## خیانت

إذا ظهرت الخيانات ارتفعت البركات :  
هر گاه خیانتها پدیدار گردد بر کنه‌ها از میان می‌رود  
و علی علیه السلام ،

✦ رابطه اعتماد عمومی و انجام وظائف .

✦ خیانت و خطرات آن .

✦ محکومیت خائن از نظر اسلام .

حس اعتماد عمومی اساس يك اجتماع سالم و نیر و منداست ، جامعه‌ای را میتوان خوشبخت و سعادتمند دانست که رشته اعتماد و اطمینان میان افراد آن بطور کامل بر قرار باشد ، اما وقتی مردم از حدود و وظیفه خود خارج و نسبت بحقوق یکدیگر خیانت کردند قوس نزول حیات اجتماعی شروع میگردد .

وظائف گوناگونی در تمام شئون حیاتی بشر حکمفرما و بهر فردی از آنها سهمی رسیده است ، که از ناحیه عقل ؛ و فطرت ؛ و دین موظف است سهم خود را درست ایفا کند تا اینکه پرتو درخشان اطمینان و اعتماد ؛ در آسمان زندگی بشر جلوه گر شود ، هرگز نمیتوان تکالیف را از قاموس زندگی انسان حذف ؛ و از دیون خطیری که شخص نسبت بخدا و خود ، و اجتماع دارد صرف نظر کرده و آنها را بی اهمیت و ساده تلقی نمود ، آدمی طبق فطرت خود از مناسبات و همزیستی اجتماعی ناگزیر است ؛ و چون در روابط افراد با یکدیگر حقوقی تولید میگردد لذا بمنظور برقراری نظم و مصونیت از تصادمات و آشفتگی چاره‌ای ندارد جز اینکه از يك سلسله مقررات پیروی نموده ؛ تادر سایه تعاون و همکاری و استمداد از نیروی دیگران راه حل مشکلات حیاتی ، هموار شود ، هر چند ایفای وظائف دشوار و مستلزم فداکاری و استقبال مشکلات است و بشر همیشه میل دارد بدون تحمل مشقنی بسعادتی

و آسایش برسد ، و این تمایل هم از خصائص طبیعی او می باشد اما باید توجه داشت که نیکبختی جز در سایه انجام وظائف امکان پذیر نخواهد بود و همانطوریکه گفته اند : خوشبختی پاداش انجام وظیفه است ، تا حدودی میتوان شخصرا در مسئولیت دیگران نیز سهم دانست زیرا تخلف و سرپیچی یکفرد از وظائف خود ، در عقائد و افکار مردم آثار سوئی میگذارد و قهراً در رفتار و شیوه عمل آنان تحولی ایجاد میکند ؛ سعادت اجتماعی از سعادت فردی پر ارزش تر بلکه اساس و مبده سعادت افراد است ، تجاوز بحقوق نوع با روح عدالت اجتماعی سازگار نبوده ، و رخنه در نظم عمومی ایجاد میکند ؛ احترام بحیات ، و آزادی ، و حیثیت هم نوعان از وظائف ضروری هر فردی می باشد ، اشخاصیکه روحشان با وظیفه شناسی مانوس است و دیون خود را با اجتماع صمیمانه تأدیه میکنند ، علاوه بر اینکه اعتماد عمومی را بخود جلب کرده ، و در مسابقه زندگی پیروزیهای نصیبشان میگردد ، بر میزان رفاه و سعادت افراد نیز افزوده و در پیشرفت کار و حصول موفقیتهای دیگران هم کمک شایان و مؤثری مینمایند دانشمندی میگوید : « بزرگی و عظمت واقعی انسان در آن نیست که شخص در طلب آسایش و لذت یا کسب مقام و شهرت برای نفس خود باشد بلکه افتخار حقیقی هر کس عبارت از آن است که وظائف و تکالیف شخصی خویش را بدرستی انجام دهد ؛

### خیانت و خطرات آن

هر گز نمیتوان ا کار کرد که علل گوناگونی در نفوذ عمیق فساد و انحراف اجتماع کنونی دخالت دارد ؛ ولی هنگامیکه عوامل افلاس معنوی و انحطاط جامعه را در یک سلسله رسیدگیهای اخلاقی و مسائل مربوط بر و حیات آنها با جزئیتهای کافی بعمل آوریم ؛ متوجه میگردیم که یکی از قویترین عوامل این درماندگی و بدبختی ؛ استیلاء « خیانت » بر افکار و عقول و رخنه آن در جمیع شؤون زندگی مردم است ؛ خطری که امروز از ناحیه شیوع خیانت متوجه اجتماع گردیده و بتدریج بنیه معنوی جامعه را تحلیل میبرد ؛ از هر خطری بیشتر و اسف انگیزتر است .

خیانت آئینه روح را تیره ساخته ، سیر عواطف و افکار را بر راه ضلالت و گمراهی میکشاند ؛ در اثر طغیان شهوت این صفت در وجود انسان جایگیر میشود ؛ و شخص بجای اینکه از ایمان و نیروی عقل خود الهام بگیرد ، اندیشه های اهریمنی او را بقبول پستی و دنائت فرمان میدهند . هر کسی در محیط خود بیش از هر چیز بجلب اعتماد دیگران نیازمند است یک صفت گریا بازرگانی ممکن است از طرق مختلف خیانت ، سودهایی بدست آورده ؛ ومدتی بانیرنگ و دسیسه بر رسوائیهای خود پوششی بکشد ؛ ولی بالاخره روزی پرده بالا میروند ؛ و اعتبار خود را که

بزرگترین سرمایه‌وی محسوب میشود؛ از دست میدهد، و بشرف و حیثیت طبقه خود نیز لطمه فاحشی خواهد زد.

خائن پیوسته باینکونع اضطراب و دغدغه دست بگریبان است، و بهر چیزی با بد بینی نگاه میکند؛ علت این احساس رنج و پستی که او را میآزارد؛ باید از درون خودش جستجو نماید زیرا؛ چونیک درنگری آنکه میکند فریاد \* زدست خوی بد خویشتن بفریاد است. ؛ بدیهی است که آسایش خاطر و رفاه عمومی در گرو گسترش امنیت است، ناامنی و آشفتگی مرگباری که بواسطه شیوع خیانت در محیط جامعه ای حکمفرما میشود، بمنزله ترور شدن فرشته عدالت؛ و نابودی اساس تشکیلات و موجودیت آن ملت است، **آری آنجا که امنیت نیست آزادی نیست؛ برادری و انسانیت وجود ندارد** خیانت منحصر بامور خاصی نیست، بلکه معنای وسیعی در بردارد؛ و کلیه اعمال انسانی را شامل میشود؛ هر گفتار و کردار را که مورد بررسی قرار دهیم؛ دارای حد مشخص و دقیقی است، که اندکی انحراف و تخطی از آن موجب میشود؛ که انسان از مرز امانت عبور کرده؛ و در جاده خیانت و نادرستی قدم بگذارد.

امانت‌داری سرمایه جوانمردان است؛ امین مرجع اعتماد و اطمینان عمومی بوده؛ و زندگی پرافتخار و درخشانی را میگذرانند، و در همه شئون جانب امانت را رعایت می‌کند و بالاخره اعمال او عصاره یک سلسله تجربیه‌های عمیقست که در جریان امور کسب کرده، و برهبری آن در طریق زندگی پیش میرود.

### محکومیت خائن از نظر اسلام

خداوند متعال یک سلسله قوانین و مقرراتی را که برای بندگان وضع فرموده بعنوان امانت از آنها یاد؛ و در مواردی بطور کلی از هر گونه خیانتی بشدت نهی کرده است: **لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم** - بخدا و رسول خیانت نکنید و همچنین در مورد امانتها (انفال آیه ۲۷) امیرهؤمنان علی علیه السلام می فرماید: **شر الناس من لا یعتقد الامانة و لا یجتنب الخيانة** - بدترین مردم کسی است که ایمان با امانت‌داری ندارد و از خیانت نمی‌پرهیزد **ایاک و الخيانة فانها شرم عصية و ان الخائن لمعذب بالنار علی خيانته** - از خیانت بر حذر باش زیرا که آن بدترین گناه است و شخص خائن بجرم خیانتش در آتش معذب خواهد بود.

اسلام با برنامه‌های حیاتبخش و دستورات عالی خود مردم را بطور همگانی بسوی یک زندگی سعادت‌مند و پایداری در انجام وظائف فراخوانده و برای حفظ جهات امانتها

توصیه‌های فراوانی کرده است : **علیکم باداء الامانة فوالذی بعث محمداً (ص)** **بالحق نبیاً لوان قاتل ابی الحسین بن علی ائتمنی علی السیف الذی قتل به لادیتة الیه** - شمارا بادا امانت سفارش میکنم سوگند بآن کسیکه محمد (ص) را به پیمبری برگزید اگر قاتل پدرم حسین بن علی (ع) همان مشیریکه با آن پدرم را بشهادت رسانید بعنوان امانت بمن بسپارد دررد امانتش هرگز کوتاهی نخواهم کرد (امام سجاد (ع) (۱)).

خیانتکار بقدری از نظر اسلام محکوم و بی ارزش است که اگر کسی در شرایط مخصوصی اموال مردم را مورد دستبرد قرار دهد ، بجرم سرقت و آلودگی حکم قطع دستوی را صادر میکند ؛ و بمنظور رعایت حیثیات و حقوق اجتماع و حفظ امنیت عمومی ، با کمال خشونت قانون مجازات را درباره خائن اجرا میسازد ؛ تاروح و وظیفه شناسی در جامعه زنده شود و زمینه پدید آمدن یک اجتماع صالح و شایسته فراهم گردد .

علیرغم تمام مساعی و کوششهاییکه امروز دروضع قوانین شدید برای جلوگیری از تجاوزات خائنانه می شود ، و مواد آن مرتباً مورد جرح و تعدیل قرار می گیرد ، و همچنین سازمانهای وسیع و مجهز قضائی و اجرایی که پیوسته با عوامل خیانت و نادرستی بمبارزه سرگرمند ، همه اقدامات عظیم و بی نتیجه مانده ؛ بلکه دامنه آن بطور وحشت زائی وسعت می یابد .

(۱) امالی صدوق ص ۱۴۹

## لطفاً این دو جمله را تصحیح کنید

در پاسخ سؤالات در همین شماره صفحه ۲۶ سطر ۹ بجای « مادر شماره ... ، این جمله را قرار دهید « مادر شماره ششم از سال چهارم صفحه ۶۶ ، » .

در بحث تاریخ اسلام در شماره قبل (شماره ۳ - از سال ۵) در پارو قی صفحه ۳۳ بجای جمله « ما راجع بهمین موضوع در شماره ... از سال ... ، این جمله قرار داده شود « ما راجع بهمین موضوع در شماره ۵ سال چهارم صفحه ۷ ، » .